دوفصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی، سال هشتم، شمارهٔ اول، پیاپی ۱۵، پاییز و زمستان ۱۳۹٤، ، صص۹۱-۱۲۰

بررسی نقش صندوق توسعه ملی در تحقق عدالت اقتصادی

سید عدنان لاجوردی*

ابوالقاسم توحیدی‌نیا**

محسن رضایی صدرآبادی***

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۰/۱۶

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۶/۰۲

چکیده

پس از شوک اول نفتی و مشاهده تجربه‌های خاص در کشورهای نفتی، مانند بیماری هلندی توجه اقتصاددانان به منابع نفت و گاز افزایش چشمگیری یافت. مشاهده آثار منفی بهره‌برداری از منابع نفت و گاز موجب بروز تحولات و اتخاذ سیاست‌هایی در کشورهای صادرکننده نفت شد. یکی از این تحولات در نیم قرن گذشته تأسیس صندوق‌های ثروت ملی در بیشتر کشورهای نفتی بود. یکی از دلایل مهم در تشکیل این صندوق‌ها، استفاده بهینه از منابع نفت و گاز در راستای توسعه اقتصادی و برقراری عدالت توزیعی و بین‌نسلی در کشورها بوده است. در ایران هم نهادی شبیه صندوق‌های ثروت ملی، با نام «صندوق توسعه ملی» در سال ۱۳۸۹ تأسیس شد.

در این اثنا، با توجه به این‌که مفهوم توسعه اقتصادی ارتباط تنگاتنگی با مفهوم عدالت دارد، لذا یکی از مسائل مهمی که صندوق توسعه ملی با آن مواجه است، مسئله عدالت است. سؤال مهم این است که نقش صندوق توسعه ملی در تحقق عدالت اقتصادی چیست؟ لذا هدف از تحقیق پیش‌رو ارائه پاسخ مناسب به سؤال مذکور است. در این راستا ابتدا با استفاده از روش کتابخانه‌ای و مراجعه به متون و آثار دانشمندان مسلمان، معیارهای تحقق عدالت اقتصادی در نظام اقتصادی اسلام جمع‌بندی شده و سپس با توجه به معیارهای مفروض، ساختار حقوقی- اقتصادی (اساسنامه) صندوق تحلیل و ارزیابی شده است. نتایج بررسی نشان می‌دهد که ساختار حقوقی- اقتصادی صندوق توسعه ملی، با معیارهای تحقق عدالت همخوانی ندارد و به‌منظور رفع تعارض ساختار جدید که مبتنی بر تأسیس «مرکز علمی- پژوهشی صندوق» می‌باشد، پیشنهاد شده است.

واژگان کلیدی

عدالت درون‌نسلی، عدالت بین‌نسلی، معیارهای عدالت اقتصادی، صندوق ثروت ملی

طبقه‌بندی JEL: G2, G3, D63, P40, Q63.

* استادیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق(ع) lajvardisa@gmail.com

** استادیار دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران atohinia@gmail.com

*** دانشجوی دکتری علوم اقتصادی، گرایش اقتصاد اسلامی، دانشگاه امام صادق(ع) (نویسنده مسئول) mohsenrezay@gmail.com

Archive of SID

www.SID.ir

مقدمه

بهره‌برداری و استفاده بهینه از منابع طبیعی یکی از مسائل مهم در توسعه پایدار و رشد اقتصادی کشورهاست که در نظام اقتصادی اسلام نیز، احکام فراوانی به آن اختصاص داده شده است. در این میان کشور ایران هم به لطف خداوند از نعمت مخازن نفت و گاز به‌عنوان معادن طبیعی، برخوردار بوده و بیش از صد سال است که از منافع حاصل از مخازن نفت و گاز استفاده کرده است.

بیش از نیم قرن است که در بیشتر کشورهایی که با مازاد درآمد ارزی روبه‌رو بوده‌اند، به‌منظور استفاده بهینه از این درآمدها، صندوقی به نام صندوق ثروت ملی تشکیل شده‌است (معتمدی، ۱۳۸۹، ص۳). قدمت تشکیل صندوق‌های ثروت ملی مربوط به بیش از ۵۰ سال پیش است، اما از سال ۲۰۰۵ در مقاله روزانف[1] این نام برای اولین بار به کار رفت. از سال ۲۰۰۵ تعداد این صندوق‌ها به‌طور قابل توجهی افزایش پیدا کرده است و نقش برجسته‌ای در عرصه‌های اقتصادی دارد (محمدی، ۱۳۹۰، ص٦۳). در ایران نهادی شبیه صندوق ثروت ملی، با نام «صندوق توسعه ملی» در سال ۱۳۸۹ شکل گرفت. این صندوق با ماهیت توسعه‌ای و در راستای سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه آغاز به کار کرد، زیرا که در سیاست‌های ابلاغی برنامه پنجم از سوی مقام معظم رهبری، معظمٌ‌له فرمودند: «تغییر نگاه درآمدهای مازاد ارزی، از تأمین بودجه به فعالیت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های مولد و زاینده اقتصادی».

یکی از نکات مهم در تشکیل این صندوق‌ها، جلوگیری از هدر رفتن منابع نفت و گاز و استفاده بهینه آن‌ها در راستای توسعه اقتصادی و توزیع عادلانه این منابع در کشورها بوده است. دو مفهوم توسعه و عدالت مفاهیم مهم و مرتبط باهم هستند؛ بنابراین یکی از مهم‌ترین مسائلی که صندوق توسعه ملی با آن مواجه است، مسئله عدالت است، زیرا که توسعه اتفاق نمی‌افتد، مگر اینکه عدالت درون نسلی و بین نسلی در جامعه جاری شود (کمپبل[2]، ۱۹۹٦).

در این مقاله با توجه به اهمیت موضوع عدالت و ارتباطش با توسعه، نقش صندوق توسعه ملی (به‌عنوان صندوقی برای توسعه ملی) در تحقق عدالت اقتصادی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. یکی از نکات مثبت و ارزنده بررسی نقش و

Archive of SID

www.SID.ir

جایگاه صندوق در تحقق عدالت اقتصادی، این است که کشورهای مختلف جهان با توجه به ایدئولوژی و تفکر فلسفی خود از مفاهیم عدالت و توسعه، اقدام به تأسیس این صندوق‌ها کرده‌اند تا بتوانند با ایجاد چنین نهادی، به اهداف عدالت محور خود برسند. این در حالی است که مفاهیم عدالت در اسلام متفاوت از مفاهیم عدالت در کشورهای غربی است و این تفاوت در مکتب، منجر به تفاوت در نظام اقتصادی می‌شود، لذا این مسئله اهمیت بررسی را مضاعف می‌کند.

یکی دیگر از نکات مهم این است که به‌منظور تحلیل و بررسی نقش صندوق توسعه ملی در تحقق عدالت، ابتدا باید با توجه به مفهوم عدالت، معیارها و ملاک‌های برقراری آن را، جمع‌بندی کرد. در این اثنا یکی از محدودیت‌های تحقیق این است که بیشتر متفکران مسلمان با توجه به درک خود از مفهوم عدالت، معیارها و ملاک‌های برقراری آن را مطرح کرده‌اند و از طرف دیگر بیشتر آن‌ها از بین دو بعد عدالت (عدالت درون‌نسلی و عدالت بین‌نسلی) فقط به یک بعد پرداخته‌اند و چارچوب کامل و جامع برای برقراری عدالت در دو بعد وجود ندارد، لذا بعد از بیان پیشینه تحقیق، سعی شده نظرات دانشمندان در مورد معیارهای عدالت اقتصادی در زمینه‌های تخصیص و هزینه‌کرد منابع طبیعی تجدیدناپذیر، جمع‌آوری شود و سپس کلیه نظرات دانشمندان مسلمان، در چارچوب یک سیر منطقی ٤ مرحله‌ای، به‌عنوان اصول ٤ گانه برقراری عدالت اقتصادی جمع‌بندی شده است[۳]. در نهایت نیز نقش صندوق توسعه ملی ایران با توجه به معیارهای فرض‌شده برقراری عدالت اقتصادی، موردبررسی قرارگرفته و در همین راستا راه‌کارهای اجرایی و عملیاتی در تحقق مراحل چهارگانه عدالت تبیین شده است.

۱. پیشینه تحقیق

به علت این‌که صندوق توسعه ملی در سال‌های اخیر تأسیس شده، مطالعات گسترده‌ای در مورد آن انجام نشده است و با بررسی تحقیقات موجود، می‌توان ادعا کرد که هیچ مطالعه تخصصی‌ای در مورد ارتباط صندوق توسعه ملی ایران و عدالت اقتصادی انجام نشده است. لازم به ذکر است که مطالعات فراوانی در مورد توزیع عادلانه منابع طبیعی (انفال) مخصوصاً نفت و گاز صورت‌گرفته‌است که در بخش بعدی (معیارهای عدالت)

Archive of SID

www.SID.ir

اشاره خواهد شد، ولی در مورد رابطه صندوق توسعه ملی با عدالت و یا توزیع عادلانه منابع موجود در صندوق، مطالعه تخصصی و مستقیم انجام نشده و تنها در چند مطالعه به‌منظور بیان ضرورت وجود صندوق بحث‌هایی در مورد فساد ناشی از رانت و بی‌عدالتی بیان شده است. اهم این مطالعات به شرح ذیل است:

حاجی‌میرزایی (۱۳۸٦) در مطالعه‌ای به بررسی ضرورت تأسیس صندوق نفت در ایران پرداخته است. ایشان با اشاره به مبانی نظری ضرورت مدیریت درآمدهای نفتی و تأسیس صندوق سعی کرده است، دلایل خویش برای تأسیس صندوق را بیان نماید. ایشان در بخش ضرورت مدیریت درآمدهای نفتی، مباحثی همچون فساد ناشی از رانت درآمدهای نفتی، افزایش قابل توجه مخارج عمومی و توزیع ناعادلانه منابع را موردتوجه قرار داده است(حاجی‌میرزایی، ۱۳۸٦).

نعمتی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «تغییر ساختار مدیریت بخش نفت؛...» به چالش‌های مدیریت صنعت نفت کشور پرداخته و سپس بعد از تحلیل چالش‌ها سه گام اصلی برای اصلاح وضع موجود معرفی کرده است. این گام‌ها عبارت‌اند از: ۱- به رسمیت شناختن جایگاه بین نسلی به نحوی که بتواند متصدی سیاست‌گذاری در حوزه نفت و گاز شود. ۲- ایجاد صندوق ملی انفال و توزیع مستقیم درآمدهای نفت و گاز کشور. ۳- تلاش برای رهایی از صادرات نفت خام. ایشان در بخش دوم مقاله سازوکار توزیع درآمد نفت در اقتصاد ایران و پیامدهای آن را بررسی کرده و ایجاد رانت، فساد و توزیع ناعادلانه منابع را بخشی از این پیامدها بیان کرده است. همچنین ایشان در پیشنهاد ایجاد صندوق انفال کارکردهای توزیعی مختلفی را بیان کرده و معتقد است که «معیار ترجیح یک کارکرد بر کارکردهای دیگر هرچه که باشد، نمی‌تواند از بیان نظریه عدالت توزیعی و بین‌نسلی تهی باشد» و به نظر ایشان توزیع مستقیم درآمدهای نفت و گاز کشور میان مردم به عدالت نزدیک‌تر می‌باشد (نعمتی، ۱۳۸۸، ص۱۰۱).

لازم به ذکر است که مابقی مطالعات صورت‌گرفته در مورد صندوق توسعه ملی ایران را می‌توان در سه دسته‌بندی به شرح ذیل تقسیم نمود:

Archive of SID

www.SID.ir

۱. مطالعات در مورد تعاریف و تاریخچه تشکیل صندوق؛ مانند مطالعات محمدی (۱۳۹۰)، موسوی آزاد (۱۳۹۱)، معتمدی (۱۳۹۱) و گزارش‌های منتشرشده در وب‌سایت صندوق توسعه ملی.
۲. مطالعات در مورد تجربه کشورهای دیگر؛ مانند مطالعات صادقی و بهبودی (۱۳۸۱)، منظور و یادی‌پور (۱۳۸۸) و کریمی‌فرد (۱۳۹۱).
۳. مطالعات در زمینه نقد ساختار صندوق؛ مانند مطالعات صادقی، بهبودی (۱۳۸٤) و معتمدی (۱۳۸۸).

۲. معیارهای تحقق عدالت اقتصادی در تخصیص منابع

دانشمندان بسیاری در اقتصاد اسلامی سعی کرده‌اند که مباحث کیفی عدالت را به ضوابط کمی تبدیل کنند تا بدین وسیله بتوانند به ارزیابی و مقایسه مفاهیم مربوطه بپردازند. یکی از تقسیم‌بندی‌های عدالت اقتصادی، تقسیم آن به عدالت درون نسلی و بین‌نسلی است که در ادامه به خلاصه‌ای از تحقیقات انجام‌شده در این حوزه اشاره خواهد شد.

۲-۱. معیارهای تحقق عدالت درون نسلی از نظر دانشمندان مسلمان

در بین دانشمندان مسلمان اتفاق‌نظر خاصّی درباره معیارهای تحقق عدالت درون نسلی وجود ندارد و خلاصه آراء آنان در این زمینه به شرح ذیل است:

توتونچیان و عیوضلو (۱۳۷۹)، چهار قاعده کلی را برای ارزیابی عادلانه بودن اقتصاد از تعالیم شریعت اسلامی استنتاج کرده‌اند: ۱- سهم‌بری براساس میزان مشارکت در فرایند تولید (عدل طبیعی)؛ ۲- حق برخورداری برابر از منابع عمومی؛ ۳- توازن نسبی ثروت و درآمد و ٤- قرار گرفتن اموال در موضع قوامی آن.

نیلی، طبیبیان، غنی‌نژاد، فرجادی (۱۳۸٦) و سبحانی (۱۳۸۹) بر این باورند که اقتصاد عدالت محور صرفاً از طریق «نظام بازار» در دسترس است (رجایی، معلمی، ۱۳۹۰، ص۸).

پورفرج، سامانی و پورسامانی (۱۳۸۵) استحقاق فرد را به شکل تابعی از عوامل ایجاد حق تعریف کرده و بیان می‌کنند که «این موضوع که ارزش هرکدام از عوامل ایجاد استحقاق یا به عبارتی قیمت عادلانه عوامل تولید (استحقاق) برای افراد مختلف

Archive of SID

www.SID.ir

به چه میزان در استحقاق کلی یک فرد اثرگذار است، براساس نظام بازار آزاد با وجود شرایط اسلامی (عدم غبن: اطلاعات کامل...) تعیین می‌شود. این عوامل استحقاق براساس تئوری‌های موجود به دست می‌آید؛ مثلاً نیاز، تلاش، درآمد ناشی از دارایی اولیه و... جزء این موارد هستند» (پورفرج و دیگران، ۱۳۸۵، صص۲۵-۲٦).

حسینی (۱۳۸۷) به بررسی معیارهای عدالت اقتصادی از منظر اسلام با بررسی انتقادی نظریه شهید صدر پرداخته است. ایشان براین باور است که با توجه به قواعد توزیع درآمد و ثروت در اسلام، معیارهای عدالت باید در ۳ سطح جداگانه ۱- مبدأ؛ عدالت در امکانات و فرصت‌های اولیه، ۲- فرایند؛ عدالت در رابطه‌ها و فرایند تولید و توزیع، ۳- نتیجه؛ عدالت در وضعیت نهایی و نتیجه عملکرد نظام اقتصادی، معرفی شود و شهید صدر تنها دو معیار «توازن عمومی» و «تأمین اجتماعی» را در جایگاه ارکان عدالت اقتصادی معرفی می‌کند. به نظر ایشان شهید صدر «معیار توازن اجتماعی را ناظر به توازن در سطوح مصرف افراد می‌داند (نه درآمد و ثروت) و نظریه او به‌رغم عمق و گستردگی آن و موقعیت برجسته وی با ملاحظات و ابهام‌هایی مانند مفهوم عدالت، رویکرد عدالت، تغییر میان جنبه‌های حقوقی و اخلاقی عدالت، جایگاه عدالت در میان مجموعه هدف‌ها و مصالح اجتماعی، مستندهای معیار توازن عمومی و رابطه حق و عدالت روبه‌روست». لذا ایشان در پایان می‌نویسند که «مناسب‌ترین کار درباره عدالت اقتصادی در چارچوب اسلامی این است که: نخست، حقوق اقتصادی افراد و دولت در مراحل گوناگون توزیع به‌دقت تعریف و اجرای کامل آن‌ها، به‌صورت معیار و راه (حاجی‌میرزایی، ۱۳۸٦) کارهای عدالت، مطمح نظر قرار گیرد؛ دوم، تأمین زندگی فقیران در حد کفاف به‌صورت نتیجه‌های سیاست‌های اقتصادی در رأس دغدغه‌های دولت قرار گیرد؛ سوم، با استفاده از راه‌کارهای اخلاقی مانند انفاق‌های مستحبی، مبارزه با اسراف و اتراف و تشویق به ساده‌زیستی، جامعه به سمت توازن بیشتر در توزیع درآمد، ثروت و امکانات مصرفی سوق داده شود.

رجایی و معلمی (۱۳۹۰) بیان می‌کنند: «معیار عدالت در توزیع فرصت‌ها، برابری و مساوات و در توزیع کارکردی، استحقاقی سهمی است که با تراضی به دست می‌آید و شاخص آن قیمت بازاری است. معیار عدالت در توزیع درآمد و ثروت، توازن است.

Archive of SID

www.SID.ir

همچنین معیار عدالت در رعایت حقوق نیازمندان، استحقاق در حد کفاف و شاخص آن حد کفاف و در پرداخت حقوق مالی بستگان، استحقاق عرفی است و شاخص آن اعتدال عرفی می‌باشد».

مصباحی مقدم، شهبازی و نخلی (۱۳۹۰) در یک مطالعه کامل در مورد اصول و سیاست‌های حاکم بر مصرف انفال و درآمدهای حاصل از آن با استفاده از احادیث و نظر فقها، سیاست‌ها و موارد مصرف منابع درآمدی انفال را در حوزه عدالت، زیرساخت‌ها، توسعه انسانی و کفالت‌های ضروری تبیین کرده‌اند. ایشان در بخش سیاست‌های مصرف انفال و درآمدهای آن، اولین حوزه دارای اولویت را، برپایی عدالت و توازن اجتماعی بیان کرده و سیاست‌های مصرف انفال در این حوزه را در سه اولویت ۱- رفع فقر و نیازهای ضروری افراد نیازمند، ۲- ایجاد فرصت‌های برابر در دسترسی به امکانات اجتماعی و ۳- کاهش اختلاف طبقاتی بیان کرده‌اند.

احمدی (۱۳۹۱) معیار عدالت توزیعی و نسبت آن با انصاف و برابری را موردبررسی قرار داده است. ایشان در مطالعه خود ضمن بررسی و نقد نظریه‌ها در عدالت توزیعی و نشان دادن ناکارامدی هر یک از آن‌ها، بیان می‌کند که هر یک از عناصر «کار»، «نیاز» و «برابری همگانی» می‌توانند ابزاری برای شناخت حقوق افراد به حساب آیند نه معیاری عمومی و کلی؛ به‌عبارت‌دیگر نتایج تحقیق نشان می‌دهد که مبنای عدالت توزیعی، حقوق افراد و رعایت استحقاق‌های ناشی از «کار» و «نیاز» و... است.

خاندوزی و نورانی (۱۳۹۱) با انجام مطالعات قرآنی به مبنای نظری سنجش عدالت در اسلام پرداخته‌اند. ایشان از میان تعاریف متعدد عدالت، با تکیه بر منابع اسلامی، تعریف جامع‌تری نسبت به تعاریف عدالت برگزیده و چهار زیرمجموعه برای مفهوم عدالت اقتصادی معرفی کرده‌اند که عبارت‌اند از: حقوق مبادلاتی، حقوق بازتوزیعی، حقوق تولیدی و حقوق مصرفی.

عبدالملکی، زاهدی‌وفا و گلدوزها (۱۳۹۱) به بررسی معیارهای عدالت اقتصادی جغرافیایی در برنامه‌ریزی توسعه بخشی- فضایی پرداخته‌اند. ایشان سعی کرده‌اند که با توجه به مفهوم و مبنای کلی عدالت اقتصادی، معیارهای عدالت اقتصادی جغرافیایی را

Archive of SID

www.SID.ir

تعریف نمایند؛ و سپس بر این اساس رویکرد اساسی در توسعه بخشی- منطقه‌ای را تبیین نمایند.

۲-۳. معیارهای تحقق عدالت بین نسلی از نظر دانشمندان مسلمان

فراهانی‌فرد (۱۳۸٤) در رساله دکترای با عنوان «سازگاری بهره‌برداری از منابع طبیعی با توسعه پایدار در اسلام» بحث کرده است که بهره‌برداری از منابع طبیعی با توسعه پایدار با رویکرد اسلامی سازگار است و در این راستا مفهوم توسعه پایدار و عدالت بین‌نسلی از منظر اسلامی موردبررسی قرار گرفته است (توحیدی‌نیا، ۱۳۹۱، ص۱۱۳).

همچنین ایشان (۱۳۸٦) در مطالعه خود تحت عنوان «عدالت بین نسلی در بهره‌برداری از منابع طبیعی» با تشریح اهمیت عدالت در توسعه و مفاهیم دینی سعی کرده است، از بعدهای گسترده عدالت، بر عدالت اقتصادی و آن هم در چگونگی بهره‌برداری از منابع و به‌صورت خاص نحوه تخصیص بین نسل‌های گوناگون، تأکید کند. ایشان قواعد عملی تضمین‌کننده عدالت بین‌نسلی و درون‌نسلی در اسلام را بر اساس سطح گستردگی به دو دسته تقسیم کرده است. در دسته اول قواعدی مانند وقف، وصیت و ارث را نام برده و در دسته دوم قواعدی مانند تشریع مالکیت دولتی و عمومی برای ثروت‌های طبیعی، سازوکار توزیع اولیه منابع طبیعی و... را مطرح کرده‌اند.

عسگری و توحیدی‌نیا (۱۳۹۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «تنزیل عادلانه در بهره‌برداری از منابع طبیعی پایان‌پذیر» به حوزه عدالت بین‌نسلی از دریچه تنزیل نگریسته و بحث کرده است که آیا در عرصه تصمیمات اجتماعی تنزیل‌کردن عادلانه می‌باشد و در صورت عدم عادلانه بودن آن ملاک اسلام برای مقدار عادلانه این پارامتر مهم اقتصادی چیست.

همچنین توحیدی‌نیا در رساله دکتری خود (۱۳۹۱) تحت عنوان «مدل اسلامی- ایرانی عدالت بین‌نسلی در بهره‌برداری از منابع طبیعی تجدیدناپذیر»، ابتدا به بررسی مفهوم اصطلاحی کلمه «عدالت» پرداخته و سپس دو تعریف «اِعطاءُ کلِّ ذیِ حَقٍّ حقَّه» و «وضعُ کلِّ شَیءٍ فیِ موضِعِهِ» را به‌عنوان رویکرد مختار انتخاب کرده است. همچنین «استحقاق، قابلیت و لیاقت» را به‌عنوان خاستگاه حق در نظر گرفته و در فصل سوم در

Archive of SID

www.SID.ir

مورد مباحث مفهومی و نظری عدالت بین‌نسلی بحث کرده و با توجه به رویکرد مختار به عدالت که ذکر شد، ملاک اول برای عدالت بین‌نسلی را مبتنی بر میزان شایستگی و کارآمدی نسل حاضر استخراج کرده که بر اساس آن، بیان می‌کند نسل حاضر باید بتواند در عین استفاده از منابع طبیعی، حداقل به همان میزان از سایر سرمایه ایجاد نماید تا عدالت مراعات شده باشد، لذا لازم است درآمدهای حاصل از منابع طبیعی پایان‌پذیر را سرمایه‌گذاری نماید و مخارج مصرفی خود را از بازدهی آن سرمایه‌گذاری تأمین نماید.

۲-۳. جمع‌بندی نظرات در مورد معیارهای عدالت

همان‌طور که مشهود است، اختلاف‌نظر در مورد عدالت و معیارهای تحقق آن وجود دارد و متفکران غربی و مسلمان از یک نقطه‌نظر خاص به بحث عدالت پرداخته‌اند، یعنی در مطالعات فقط به یک بعد از عدالت اقتصادی (درون‌نسلی یا بین‌نسلی) توجه شده است. لذا ازآنجایی‌که نگاه جامع به هر دو بعد عدالت ضروری است، سعی شده است با جمع‌بندی کلیه معیارهای مذکور، چهار اصل به ترتیب اولویت در جهت تحقق عدالت اقتصادی تبیین شود؛ به‌عبارت‌دیگر اولویت‌بندی مذکور فروض نویسندگان می‌باشد که سعی شده دلایل مختصر عقلی در خصوص این اولویت‌بندی ذکر شود.

همچنین قبل از تشریح اصول، لازم به ذکر است که با بررسی نظرات مختلف می‌توان بیان کرد که در ادبیات اسلامی دو تعریف مبنایی برای عدالت وجود دارد:

الف) وضعُ کلِّ شَیءٍ فیِ موضِعهِ: قرار دادن هرچیز در جای مناسب خویش؛ به نظر می‌رسد این تعریف از کلام امیرالمؤمنین(ع) در نهج‌البلاغه اخذ شده است (حکمت ٤٣٧) و همچنین شیخ طوسی در النهایه (ص٣٥٦) و علامه طباطبایی در المیزان (ج۱، ص۳۷۱) این تعریف را مورداستفاده قرار داده و بدین ترتیب اعتبار آن را تأیید نموده‌اند (توحیدی‌نیا، ۱۳۹۱، ص١١٤).

ب) اِعطاءُ کلِّ ذیِ حَقٍّ حقَّه: حق را به صاحب حق دادن؛ این تعریف هم، تعریفی است که متفکرین اسلامی مانند علامه طباطبایی (المیزان، ج۱، ص۳۷۱)، شهید مطهری (مجموعه آثار شهید، ج۱، ص۸۱) و حکیم سبزواری در شرح اسماء حسنی (ص٥٤) از دیرباز موردعنایت قرار داده‌اند (توحیدی‌نیا، ۱۳۹۱، ص١١٤).

Archive of SID

www.SID.ir

لذا در تحقیق مذکور این دو تعریف مبنای کار اختیار می‌شود. در مورد معیار تحقق عدالت باید بیان کرد که با توجه به دو تعریف مذکور و همچنین مطالعات صورت‌گرفته، با جمع‌بندی کلیه معیارهای مذکور می‌توان به ترتیب اولویت، چهار اصل را در جهت تحقق عدالت اقتصادی فرض کرد؛ به‌عبارت‌دیگر اولویت‌بندی مذکور بنا بر شرایط زمان و مکان فرض شده است که سعی شده دلایل مختصر عقلی در خصوص تقدم رتبی و زمانی آن ذکر شود:

۳-۳-۱. اصل «حفظ ثروت و نیاز» در بهره‌برداری از منابع طبیعی

با توجه به نتایج مطالعات توحیدی‌نیا (۱۳۹۱) و عیوضلو (۱۳۸٤) می‌توان بیان کرد که «بر طبق تعریف عدالت، اولاً قرار گرفتن اشیاء در وضع بایسته و مناسب خود به معنای وضعی است که آثار مفید آن‌ها قابل استحصال و بهره‌برداری کامل باشد، ثانیاً منشأ پدید آمدن حق «استحقاق، قابلیت و لیاقت» در نظر گرفته می‌شود. ثالثاً استحقاق، قابلیت و لیاقت به دو جزء الف- ذاتی و فطری و ب- اکتسابی قابل تقسیم است. رابعاً در این صورت موضع قوام تحقق یافته است؛ بنابراین در حوزه عدالت بین نسلی با توجه به اینکه منشأ پدید آمدن حق در تعاملات بین‌نسلی «استحقاق، قابلیت و لیاقت» است»، باید توضیح داد، «آنچه که مسلم است این می‌باشد که استحقاق و قابلیت فطری و ذاتی همه نسل‌ها یکسان است، زیرا انسان‌های هر نسل فرزندان نسل‌های قبلی هستند و با توجه به این‌که در هر نسل استحقاق‌ها و قابلیت‌های ذاتی افراد متفاوت است و چون خلقت انسان‌ها توسط پروردگار عالم مبتنی بر یک نظام حکیمانه و عادلانه ثابت و لایتغیر می‌باشد، لذا این ناهمگونی در استحقاق‌های افراد هر نسل، در نسل بعدی هم تکرار گشته و در نتیجه این یکسانی ناهمگونی در استحقاق‌های افراد هر نسل سبب می‌شود که در مجموع ما با نسل‌هایی مواجه باشیم که دارای استحقاق و قابلیت فطری یکسان هستند؛ بنابراین، از این منظر همه نسل‌ها از حقوق مساوی برخوردار هستند؛ اما در ارتباط با استحقاق و لیاقت اکتسابی هر نسل که با تلاش و کوشش خود آن نسل حاصل می‌شود، ما تنها می‌توانیم روی استحقاق و لیاقت اکتسابی نسل حاضر متمرکز شده و آن را موردبررسی قرار دهیم، زیرا نسل‌های آتی هنوز بالفعل نگشته و به این

Archive of SID

www.SID.ir

دنیا نیامده‌اند تا بتوان در مورد میزان استحقاقی که کسب کرده‌اند، بحث نمود» (توحیدی‌نیا، ۱۳۹۱، صص ۱۲۰-۱۲۲).

لازم به ذکر است که از نظر توحیدی‌نیا ملاک این استحقاق، توانمندی این نسل در تبدیل سرمایه طبیعی به همان میزان از سایر سرمایه‌هاست که ما نام آن را اصل «حفظ ثروت» می‌گذاریم، یعنی نسل حاضر می‌بایست ثروت‌های طبیعی را به همان میزان به سایر ثروت‌ها و سرمایه‌ها تبدیل نماید. این ملاک نتیجه منطقی گزاره‌های ذیل است:

اولاً طبق آیه «خَلَقَ لَکُم مَا فِی الارضِ جمیعاً» (بقره:۲۹) منابع طبیعی برای همه انسان‌هاست، پس باید امکان استفاده از منابع برای همگان و از جمله نسل‌های آتی فراهم شود. همچنین امام صادق(ع) در پاسخ سؤالی راجع به زمین‌های عراق می‌فرمایند: «هُو لِجمیعِ المُسلمینَ لِمَن هُوَ الیَومِ و لِمَن یَدخُلُ فِی الاِسلامِ بعدَ الیومِ و لِمَن لَم یُخلَق بَعد؛[٤]» (طوسی، ج۲، ص۱٦۰). این روایت به‌روشنی بر مراعات حق نسل‌های آتی از منابع طبیعی تأکید کرده ولذا بر توجه و احترام به عدالت بین‌نسلی و تلاش جهت تحقق آن دلالت می‌کند (توحیدی‌نیا، ۱۳۹۱، ص۱۲۲).

ثانیاً منابع طبیعی باید مایه قوام جامعه باشند؛ زیرا «اَموالَکُم الّتی جَعَلَ اللّه لَکُم قِیَاماً» (نساء:۵). از این آیه برمی‌آید که اولاً اموال و از جمله منابع طبیعی و همچنین درآمدهای حاصله برای بهره‌برداری کردن و رفع نیاز جامعه خلق شده‌اند و نه بلااستفاده ماندن. ثانیاً نحوه استفاده از آن‌ها باید طوری باشد که ثبات جامعه چه در زمان حال و چه در آینده حفظ گردد؛ یعنی این نسل باید دارای توانایی لازم جهت نیل به موضع قوام در تولید و مصرف و همچنین حفظ این موضع باشد و به‌عبارت‌دیگر، در استفاده از منابع طبیعی از کارایی لازم در تولید برخوردار باشد (عیوضلو، ۱۳۸٤، ص۱۸۷).

> «ثالثاً استفاده از منابع طبیعی پایان‌پذیر به صورتی که مایه قوام و ثبات جامعه باشند، توسط همه انسان‌ها و نسل‌ها تنها در صورت بقاء آن‌ها ممکن است. پس منابع طبیعی باید برای همه باقی بماند و ما بنا به فرمایش حضرت امیر که «اِتَّقُوا اللَّهَ فی عِبادِهِ و بِلادِهِ فَاِنَّکُم مَسئُولُونَ حَتّیَ عَنِ البَقاعِ و البَهائِم (خطبه ۱٦۷) در ارتباط با بهره‌برداری غیرمسئولانه از منابع طبیعی باید در پیشگاه

Archive of SID

www.SID.ir

خداوند پاسخگو باشیم چراکه تقوا الهی را مراعات نکرده‌ایم» (عیوضلو، ۱۳۸٤، ص۱۲٤).

در نتیجه تنها یک فرض منطقی برای تحقق گزاره‌های فوق باقی می‌ماند و آن این است که با استفاده از منابع طبیعی، حداقل به همان میزان از سرمایه‌های دیگر ایجاد شود[۵]؛ زیرا تنها در این صورت است که می‌توان گفت منابع‌طبیعی در عین استفاده هر نسل، برای بعدی‌ها باقی مانده و علاوه بر آن، ثبات و پایداری و قوام اجتماع هم حفظ گردیده است، زیرا اگر این منابع بلااستفاده باقی بمانند که نقض غرض گردیده است[۶]. از طرف دیگر استفاده‌ای که سبب شود، یک نسل فعلی از منافع منتفع گردند و با تمام شدن آن‌ها، بقیه از آن‌ها بی‌بهره گردند، با موضع قوام همخوانی ندارد، زیرا موضع قوام موضع مناسب برای رسیدن به آثار مفید است (عیوضلو، ۱۳۸٤، ص۱۱۰) و خداوند اثر مفید این منابع را در استفاده آن‌ها توسط همگان قرار داده است و نه‌فقط استفاده یک نسل (نسل حاضر)؛ بنابراین به لحاظ منطقی روش دیگری جزء «حفظ ثروت‌های طبیعی» برای استفاده از منابع طبیعی پایان‌پذیر باقی نمی‌ماند[۷].

حال در مورد توانایی و استحقاق نسل حاضر در تبدیل ثروت‌های طبیعی به سایر سرمایه‌ها، سه حالت پیش می‌آید:

۱. نسل حاضر حداقل سطح لازم توانایی را دارد، یعنی قادر است که سرمایه طبیعی را به میزان برابر به سرمایه‌های دیگر تبدیل نماید.

در این حالت نسل حاضر به‌منظور برقراری عدالت درون‌نسلی و بین‌نسلی تنها حق دارد به میزان حداقلی که مرتفع‌کننده نیازهایش است از این منابع استفاده کند، زیرا طبق آیات شریفه «خَلَق لَکُم ما فی الارضِ جمیعاً» (بقره: ۲۹) و «اموالُکم الّتی جَعلَ اللهُ لکُم قیاماً» (نساء: ۵) اولاً منابع طبیعی برای بهره‌مندی انسان‌ها خلق گشته است و ثانیاً میزان بهره‌برداری باید به‌قدری باشد که مایه قوام جامعه در تولید گردد، که بر طبق ارتکازات عقلی این میزان، همان بهره‌مندی به میزان حداقل نیازهایش می‌باشد (توحیدی‌نیا، ۱۳۹۱، ص۱۲۷).

Archive of SID

www.SID.ir

۲. نسل حاضر بیش از حداقل سطح لازم توانایی و استحقاق جهت بهره‌مندی از منابع طبیعی را کسب کرده است؛ یعنی این نسل سرمایه طبیعی را بکار گرفته و به میزان بیشتری از سایر سرمایه‌ها دست می‌یابد.

در این حالت، نسل حاضر حق دارد علاوه بر منابع لازم جهت برطرف‌کردن نیازهای خود، منابع آیندگان را هم مورداستفاده قرار دهد چرا که در این شرایط، سرمایه طبیعی محدود در قالب سایر سرمایه‌ها رشد پیدا می‌کند که این قطعاً به نفع آیندگان است. این بیان مبتنی بر یک قیاس اولویت است: اگر شخصی که مالک یک دارایی است رشید نباشد، ولی‌اش سرپرستی اموالش را بر عهده گرفته و در حد ضرورت به او می‌دهد، البته نه از اصل سرمایه، بلکه از درآمد مال؛ و بقیه را برایش نگه داشته و یا در جهت مصالحش صرف می‌کند. حال در بحث عدالت بین‌نسلی، در مورد نسل‌های بعدی که اصلاً هنوز فعلیت نیافته‌اند که نوبت به تعیین رشید بودن یا نبودنشان برسد، نسل فعلی اگر صلاحیت داشته باشد، می‌تواند اموالشان را در جهت مصالحشان سرپرستی و مدیریت کند. بدون شک، ازآنجاکه در هر نسل، مدیریت و سرپرستی انفال و از جمله معادن بر عهده حاکم شرع است، او به‌عنوان ولی نسل‌های بعدی می‌تواند اموالشان را سرمایه‌گذاری نموده طوری‌که با تبدیل به سایر سرمایه‌ها امکان دوام پیدا نمایند (توحیدی‌نیا، ۱۳۹۱، ص۱۳٤).

۳. نسل حاضر حداقل سطح لازم استحقاق جهت بهره‌برداری از منابع طبیعی را کسب نکرده است، زیرا این نسل در تبدیل سرمایه طبیعی به همان میزان از سایر سرمایه‌ها توانمند نیست و بنابراین نمی‌تواند قوام جامعه را تأمین نماید.

در این حالت، طبق اصل حفظ ثروت و معیار توانایی و استحقاق، نسل حاضر حق بهره‌مندی از منابع طبیعی را ندارد؛ زیرا در صورت استفاده از این منابع، به دلیل عدم کارایی لازم باعث ایجاد کاستی در آن‌ها شده و در نتیجه به‌مرور زمان این منابع از بین می‌روند. دلیل این ادعا تفسیر علامه طباطبایی ذیل آیه «ولا تُؤتُوا السُّفَهاءَ اَموالَکمُ الّتِی جَعلَ اللهُ لَکُم قِیاماً» (نساء:۵)، است که می‌فرماید: «مجموع اموال و ثروتی که در روی کره زمین و زیر آن و بالاخره در دنیا وجود دارد، متعلق به عموم ساکنان این کره است، و اگر بعضی از این اموال مختص به بعضی از ساکنان زمین و بعضی دیگر متعلق به

Archive of SID

www.SID.ir

بعضی دیگر می‌باشد، از باب اصلاح وضع عمومی بشر است که مبتنی است بر اصل مالکیت و اختصاص و چون چنین می‌باشد، لازم است مردم این حقیقت را تحقق دهند و بدانند که عموم بشر جامعه‌ای واحدند که تمامی اموال دنیا متعلق به این جامعه است و بر تک‌تک افراد بشر واجب است این مال را حفظ نموده و از هدر رفتن آن جلوگیری کنند، پس نباید به افراد سفیه اجازه دهند که مال را اسراف نمایند، خود افراد عاقل اداره امور سفیهان را مانند اطفال صغیر و دیوانه به عهده بگیرند» (المیزان، ج٤، ص۲۷۱). حال با توجه به مفهوم آیه و با استفاده از قیاس اولویت می‌توان گفت، اگر فردی که صاحب مالی اندک از کل اموال دنیاست، در صورت عجز از مدیریت آن اموال، حق در اختیار داشتن مال خودش را نداشته و ولی‌اش باید آن مال را حفظ کرده و در حد ضرورت به او بپردازد، به‌طریق‌اولی این اجازه به جامعه داده نمی‌شود تا کل اموالش را که خداوند مایه قوام و حیات آن جامعه قرار داده، در صورت عدم صلاحیت در اختیار بگیرد و حیف‌ومیل کند. در این صورت حاکم اسلامی که شخصیت حقوقی علی‌الدوام است وظیفه دارد به‌عنوان ولی شرع، اموال متعلق به جامعه مسلمین (از جمله انفال) را در اختیار خود گرفته و از مصرف آن در غیر موارد ضروری خودداری نماید تا این اموال برای آیندگان باقی‌بماند (توحیدی‌نیا، ۱۳۹۱، ص۱۳۰).

اما در این شرایط، چنانچه این نسل به منابع طبیعی و یا درآمد حاصل از آن‌ها نیاز ضروری داشته باشند، باید از ملاک فوق عدول کرده و اجازه داد نسل حاضر از این منابع به میزان حداقلی که مرتفع‌کننده نیازهای ضروری‌اش است، استفاده نماید، زیرا در چنین شرایطی اگر این نسل از منابع طبیعی استفاده نکند، بنیان اجتماع به مخاطره می‌افتد و قوام جامعه در همین حد فعلی هم حفظ نخواهد شد، که این خود عادلانه نیست (توحیدی‌نیا، ۱۳۹۱، ص۱۳۲)؛ به‌عبارت‌دیگر در این حالت «اصل نیاز» با «اصل حفظ ثروت» تداخل پیدا می‌کند، که اصل نیاز به‌منظور حفظ قوام جامعه و نسل حاضر مقدم می‌شود ولی باید فقط نیازهای حیاتی و ضروری نسل حاضر تأمین شود.

Archive of SID

www.SID.ir

۳-۳-۲. اصل «رفع فقر و عدم تبعیض در توزیع فرصت‌ها و امکانات»

در اولویت دوم با این مسئله مواجه هستیم که منابع نفتی را در چه زمینه‌هایی سرمایه‌گذاری کرده و یا درآمدهای حاصله از تبدیل منابع طبیعی به سایر سرمایه را چگونه هزینه کنیم تا عدالت درون‌نسلی محقق شود. مهم‌ترین معیار تحقق عدالت در این گام، رفع فقر از جامعه است. در توضیح باید بیان کرد: تا زمانی که فقر در یک جامعه در میان برخی طبقات اجتماعی وجود دارد، هیچ ضرورتی بالاتر از رفع آن وجود ندارد و دولت اسلامی مسئولیت دارد تا نیازمندان جامعه را از منابع مالی بهره‌مند سازد. این ادعا توسط بررسی سیره امیرالمؤمنین(ع) اثبات می‌شود؛ برای مثال ایشان در نامه خود به مالک اشتر می‌نویسند: «...ثُمَّ اللَّهَ اللَّهَ فِی الطَّبَقَةِ السُّفْلَی مِنَ الَّذِینَ لَا حِیلَةَ لَهُمْ مِنَ الْمَسَاکِینِ وَ الْمُحْتَاجِینَ...» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)؛ ... خدا را، خدا را، درباره طبقه پایین اجتماع، یعنی بی‌نوایان، نیازمندان، تیره‌روزان و زمین‌گیرشدگانی که راه چاره‌ای ندارند ... حقی را که خداوند برای آنان مقرر داشته و تو را نگهبان آن قرار داده است به‌خوبی پاس دار و بخشی از بیت‌المال خود را همراه با بخشی از محصولات زمین‌های غنائم اسلامی، در هر سرزمین، به ایشان اختصاص ده و بدان که دور و نزدیک آنان در این بهره‌مندی با یکدیگر برابرند پس حق همه را مراعات کن... .

لذا حکومت اسلامی باید به بهترین شکل سیاست‌گذاری با لحاظ عدالت در دسترسی همگان به مواهب و منابع طبیعی، فقر و نیازهای ضروری جامعه را در کسب معاش رفع نماید. البته در اسلام سازوکارهایی مانند خمس، زکات، ارث و... برای رفع فقر وجود دارد، ولی اگر منابع خمس و زکات و... به‌قدر کافی برای رفع فقر نباشد، حاکم اسلامی بر اساس اختیارات خود در باب انفال می‌تواند از این منابع برای رفع نیازهای ضروری افراد نیازمند استفاده نماید زیرا به‌طور خلاصه باید بیان کرد که در اموال اغنیاء حقوق دیگری به غیر از خمس و زکات وجود دارد که پرداخت آن بر اغنیاء واجب و ضروری است. اگر عدل را مقیاس قرار دهیم، اثبات حقی غیر از خمس و زکات برای فقرا، شک بدوی نمی‌شود که اصل برائت تکلیف مالی برای ثروتمندان، یا استحصاب عدم ثبوت حق برای فقرا، جاری شود و اطلاق احترام مال مسلم، محکم و پابرجا بماند (رجایی و معلمی، ۱۳۹۰، ص۱۸).

Archive of SID

www.SID.ir

حال اگر در جامعه اسلامی اغنیا حاضر نباشند این حق را بدهند و ازآنجاکه لفظ «حق» ذکر شده است و بنا بر نظر شهید مطهری حق گرفتنی است، آیا باید اغنیاء به حال خود رها شوند و یا فقیران باید حق خود را طلب کنند و هرج‌ومرج ایجاد نمایند؟

بنابراین باید اسلام به‌منظور جلوگیری از هرج‌ومرج سازوکار دریافت این حق را معلوم کرده‌باشد. با توجه به اینکه منابع طبیعی جزء انفال محسوب می‌شوند و بنا بر قول مشهور این منابع در مالکیت حاکم شرع می‌باشد و باید به صلاح جامعه آن را هزینه کند، بنابراین حاکم شرع به‌منظور جلوگیری از هرج‌ومرج و احقاق حقوق مستضعفان و نیازمندان می‌تواند، علاوه بر دریافت خمس و زکات، اغنیاء را از این منابع محروم کرده و نیازمندان جامعه را از این منابع بهره‌مند سازد و فقر را ریشه‌کن کند.

البته در این گام توجه به این نکته ضروری است که یکی از ریشه‌های ایجاد فقر، تبعیض در توزیع فرصت‌ها و امکانات حداقلی برای رشد استعدادهای بالقوه تمام انسان‌هاست؛ به‌عبارت‌دیگر یکی دیگر از اصول بسیار مهم در برقراری عدالت که از مفهوم تساوی برداشت می‌شود، اصل عدم تبعیض در توزیع فرصت‌هاست. منظور از تساوی، رعایت برابری در زمینه استحقاق‌های مساوی است. استحقاق‌های ذاتی که افراد جامعه دارا هستند؛ به‌عبارت‌دیگر تمام افراد جامعه حق برخورداری از امکانات مساوی قانونی و خدمات عمومی یکسان را دارا هستند. مرحوم شهید مطهری می‌گوید: «اقدامات اسلامی در زمینه ایجاد امکانات مساوی قانونی و اجرای قانون به‌طور مساوی در دو قسمت است، یکی در قسمت قانون و ایجاد امکانات مساوی قانونی برای همه و دوم، در زمینه ایجاد امکانات مساوی برای همه. یکی از مسائل اساسی در مورد تقسیم عادلانه امکانات و مواد اولیه طبیعی نسبت به افراد اجتماع است، چه در واقع اختلاف در تصاحب این سرمایه اولیه موجب اختلافات بعدی اجتماعی می‌شود و تبعیض در این مورد ریشه بسیاری از تبعیض‌ها خواهد بود. در این مورد، عدالت یعنی اینکه همه مردم بهره و سهمی را که بالقوه در زمین یا اجتماع دارند به آن‌ها برسد تا آن را به فعلیت برسانند» (عیوضلو، ۱۳۸۹، ص۱۸).

البته باید اشاره شود که تساوی در استحقاق‌های مساوی موردنظر است؛ به‌عبارت‌دیگر این معنا را می‌توان به استحقاق و اعطای هر حقی به صاحب حق، ارجاع

Archive of SID

www.SID.ir

داد. منظور از تساوی «ایجاد شرایط برای همه به‌طور یکسان و رفع موانع برای همه به‌طور یکسان» است (مطهری، ۱٤٥۳ق، صص۱٥٦-۱٥۷).

بنابراین در گام دوم، باید به‌منظور برقراری عدالت درون نسلی، ابتدا فقر را ریشه‌کن کرد و در موازات سیاست‌های رفع فقر، فرصت‌ها و امکانات عمومی حداقلی را برای تمام مردم به وجود آورد و اگر در قسمتی از کشور این امکانات وجود ندارد، باید ایجاد کرد. برای ارزیابی برقراری این سطح از عدالت می‌توان از شاخصه‌هایی نظیر خط فقر و گسترش سطح آموزش عمومی، بهداشت عمومی و میزان بهره‌مندی افراد و طبقات جامعه از کالاهای ضروری و لوازم زندگی استفاده کرد (عیوضلو، ۱۳۸۹، ص۲۲).

۳-۳-۳. اصل «توازن اجتماعی» جهت رفع شکاف طبقاتی فاحش

بعد از گام دوم، بایستی اصل «توازن اجتماعی» را معیار و ملاک قرار داد، زیرا یکی از اصول مهم در برقراری عدالت که موردنظر بزرگان ازجمله شهید صدر بوده است، اصل توازن اجتماعی می‌باشد. همان‌طور که بیان شد لازمه برقراری توازن اجتماعی ریشه‌کن کردن فقر و ایجاد شرایط مساوی در جهت رشد استعدادها همه انسان‌هاست؛ و بعد از گام دوم می‌توان توازن اجتماعی را برقرار کرد. منظور از توازن اجتماعی در اسلام، توازن افراد جامعه از حیث سطح زندگی است و نه از جهت درآمد؛ به‌طوری که اختلاف شدید طبقاتی نباید وجود داشته باشد (صدر، ۱٤۰۸). شهید صدر، برای اثبات معیار توازن در عدالت اقتصادی از نظر اسلام، دو دلیل می‌آورد: ۱) او با تمسک به تعلیل آیه شریفه «فیء»: «کَی لایَکونُ دُولَهً بَینَ الأغنیاءِ مِنکُم» (حشر:۷)، هدف از تعیین فیء را دست‌به‌دست نشدن ثروت جامعه در میان ثروتمندان می‌داند. براین‌اساس، دولت وظیفه دارد با استفاده از ابزارهای مناسب از بروز وضعیت نامتوازن توزیع ثروت در طبقات مختلف جامعه پیشگیری کند. ۲- دلیل دوم شهید صدر، بر پایه روش کشف اصول (زیربنا) از راه بررسی احکام و قوانین (روبنا) است. شهید صدر بر این باور است که از طبیعت احکام شرعی (مانند ممنوعیت کنز و ربا، مقررات مربوط به ارث، اعطای حق قانون‌گذاری به دولت و مخالفت با بهره‌برداری از ثروت‌های خام و طبیعی به شیوه نظام سرمایه‌داری)، می‌توان به‌خوبی این قاعده کلی را استخراج کرد که در نظام

Archive of SID

www.SID.ir

اقتصادی اسلام، توازن اجتماعی ضرورت دارد (شهید صدر به نقل از رجایی، معلمی، ۱۳۹۰، صص۱٦-۱۷).

بنابراین با پذیرش اصل «توازن اجتماعی»، حکومت اسلامی باید وضعیت شکاف طبقاتی فاحش را از بین برده و اوضاع نابسامان فقرا را بهبود ببخشد.

در بررسی و ارزیابی برقراری این گام می‌توان از شاخص ضریب جینی استفاده کرد، تا با بهبود آن، بتوان مطمئن شد که شکاف طبقاتی بهبود یافته است.

۳-۳-٤. اصل «برقراری مساوات» به‌منظور حفظ توازن اجتماعی

گام نهایی در برقراری عدالت اقتصادی، استمرار و حفظ اصل «توازن اجتماعی» در بین آحاد جامعه است؛ زیرا لازمه برقراری عدالت دائمی، استمرار و حفظ توازن اجتماعی است که دولت در این گام باید با سیاست‌های خود مانع سودجویی ثروتمندان شود تا شکاف طبقاتی دیگر رخ ندهد. در این گام اتخاذ دو سیاست قابل فرض است:

الف- درآمدهای مازاد را به‌صورت مساوی بین کلیه مردم تقسیم کرد. ب- منابع انفال را در سیاست‌هایی که اثرات آن به تمام افراد جامعه به نسبت برابر می‌رسد، هزینه کرد. البته با توجه به روایات ذیل به نظر می‌رسد که سیاست اول یعنی پرداخت مساوی اموال بیت‌المال به کلیه مردم در گام نهایی، سیاست بهتری باشد:

پیامبر اکرم(ص) می‌فرمایند: شما را به آمدن مهدی مژده می‌دهم که در زمان اختلاف مردم در میان امت من برانگیخته می‌شود ... اهل آسمان و اهل زمین از او خرسند خواهند بود؛ او اموال را به‌طور مساوی میان مردم تقسیم می‌کند (مجلسی، ۱٤۰۳ق، ج۵۱، صص۸۱ و ۹۲).

امام باقر(ع) نیز در این مورد می‌فرمایند: مهدی میان مردم مساوات برقرار می‌کند تا جایی که دیگر نیازمند به زکاتی پیدا نمی‌شود (مجلسی، ۱٤۰۳ق، ج۵۲، ص۳۹۰).

در جمع‌بندی و نتیجه‌گیری این بخش باید ذکر کرد که با توجه به مباحث ارائه‌شده، اگر بخواهیم اصول مذکور به‌طور کامل اجرایی شود باید نکات ذیل موردتوجه قرار گیرد:

۱- ثبات در سیاست‌گذاری‌ها در زمینه هزینه‌کرد و تخصیص منابع نفت و گاز، لازمه عمل به اصول ٤ گانه و استمرار آن است، لذا هر نهادی که متولی تخصیص و

Archive of SID

www.SID.ir

توزیع منابع نفت و گاز باشد، باید از لحاظ ساختار حقوقی- اقتصادی و سیاسی وابسته به حاکمیت باشد و ارکان نظام در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت داشته و سیاست‌گذاری‌های خرد و کلان متکی بر تصمیم فردی نباشد تا با تغییر دولت‌ها و مسئولان دولتی شاهد تغییر سیاست‌ها نباشیم. البته شاید بیان شود که می‌توان با الزام حقوقی و قانونی سیاست‌های تخصیص را برای دولت یا هر نهاد مسئول، تبیین کرد و تخطی آن را از مجرای قانونی نظارت و پیگیری نمود؛ اما تجربه اجرایی کشور ثابت کرده است که ضعف دستگاه‌های نظارتی و قانون‌گریزی مسئولین دولتی در دهه‌های گذشته حاکی از آن است که اتخاذ این سیاست کشور را با مشکل روبه‌رو خواهد کرد.

۲- برای برقراری اصل اول (اصل حفظ ثروت) باید کلیه منابع نفت و گاز در یک مکان و حساب مشخص منتقل شود و سپس با توجه به معیارهای اضطرار، نیاز جامعه، توانایی تبدیل به ثروت‌های ماندگار و ... تخصیص منابع صورت بگیرد.

۳- برای برقراری اصول دوم به بعد باید مطالعه دقیق و صحیح در مورد شرایط زمان و مکان و شرایط جامعه انجام بگیرد و پس از مطالعات مناسب سیاست‌های تخصیص منابع تبیین شود. لازم به ذکر است که در این بخش سیاست‌ها می‌تواند متغیر باشد، ولی باید بر اساس اولویت‌های مذکور عمل شود.

۳. راهکارهای تحقق عدالت اقتصادی در صندوق توسعه ملی ایران

در این قسمت به‌منظور بررسی نقش صندوق توسعه ملی ایران در تحقق عدالت اقتصادی، به بررسی ساختار حقوقی- اقتصادی پرداخته و سپس با ارزیابی آن، راه‌کارها و سیاست‌گذاری‌های خرد و کلانِ اجرایی در جهت تحقق عدالت اقتصادی بیان خواهد شد. لازم به ذکر است به‌منظور مستدل کردن راه‌کارها سعی شده است که در صورت لزوم گزارش‌هایی از عملکرد صندوق طی سال‌های گذشته بیان شود.

۳-۱. تحلیل و بررسی «ساختار حقوقی- اقتصادی» صندوق

با توجه به اساسنامه صندوق و اهداف آن، می‌توان مطالب زیر را در مورد ساختار حقوقی- اقتصادی صندوق بیان کرد:

Archive of SID

www.SID.ir

۱. هدف تشکیل صندوق تبدیل بخشی از عواید ناشی از فروش نفت و گاز به ثروت‌های ماندگار و حفظ آن برای نسل‌های آینده و تحقق عدالت است.

۲. شش عضو هیئت امنا از دولت هستند و ازآنجاکه تصمیمات هیئت امنا حداقل با ۵ رأی اتخاذ می‌گردد، دولت قدرت بسیار بالایی در جهت‌دهی سیاست‌های خرد و کلان صندوق دارد.

۳. بر طبق بند ح از اساسنامه (منابع صندوق) باید در سال اول تأسیس، ۲۰ درصد درآمدهای نفت و گاز به صندوق واریز شود و هر سال ۳ درصد افزایش یابد تا در افق ۱٤۰٤ بودجه کشور وابسته به درآمدهای نفتی نباشد.

٤. طبق تبصره ۲ از بند «ح» (منابع)، حساب‌های آن نزد بانک مرکزی نگهداری می‌شود و بازپرداخت اصل و سود تسهیلات به حساب صندوق واریز می‌شود و مجدداً در جهت اهداف اقتصادی استفاده می‌شود.

۵. طبق بند «ط» از اساسنامه (مصارف) استفاده از منابع صندوق برای اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارائی‌های سرمایه‌ای و بازپرداخت بدهی‌های دولت به هر شکل ممنوع است.

٦. طبق تبصره ۲ از بند «ط» اعطای تسهیلات فقط به‌صورت ارزی و تبدیل دلار نفتی به ریال خلاف قانون است. به‌این‌ترتیب دولت‌ها این راه‌کار آسان را در پیش رو ندارند که با فروش نفت و تبدیل آن به ریال، راهی برای مشکلات آنی و زودگذر اقتصادی انتخاب کنند.

۷. بانک‌های عامل برای صندوق به‌عنوان عاملیت کار می‌کنند. بررسی طرح‌های معرفی‌شده از نظر توجیه اقتصادی به عهدهِ این بانک‌هاست. همچنین صندوق، امکان اعطای تسهیلات به سرمایه‌گذاران خارجی با شرایط رقابتی و بازدهی اقتصادی و با رعایت اصل ۸۰ قانون اساسی را فراهم می‌کند (محمدی، ۱۳۹۰، ص٦٤).

در مورد اصل اول از اصول ٤ گانه تحقق عدالت پنج نکته قابل ذکر است:

۱. با توجه به بند ح از اساسنامه صندوق که تشریح منابع صندوق است (مورد سوم در بالا)، می‌توان بیان کرد ساختار حقوقی- اقتصادی صندوق با گام اول مراحل تحقق عدالت منافات دارد؛ چراکه بر طبق معیارهای فرضی، باید اساسنامه صندوق

Archive of SID

www.SID.ir

به‌گونه‌ای تدوین شود که ابتدا کلیه سرمایه‌های ملی (عواید و درآمدهای ناشی از فروش نفت و گاز) به صندوق منتقل شده و سپس با توجه به شرایط اقتصادی کشور و معیارهای حفظ قوام، میزان تخصیص این سرمایه‌ها در بخش‌های مختلف اقتصادی اعم از هزینه‌های جاری و سرمایه‌ای بودجه، بخش‌های مختلف سرمایه‌گذاری و... مشخص شود.

۲. حتی اگر با اصلاحِ اساسنامه، تمام درآمدهای ملی به صندوق توسعه ملی منتقل شود، باز هم در تحقق گام اول نقص وجود دارد؛ زیرا در اهداف، تبدیل سرمایه ملی به سایر سرمایه‌ها مطرح شده است ولی میزان آن (حداقل مقدار تبدیل) موردتوجه واقع نشده است.

۳. تبدیل سرمایه ملی به سایر سرمایه‌ها و تخصیص منابع به بخش‌های مختلف اقتصادی باید متناسب و متعادل با ساختار اقتصادی بخش مذکور باشد. درحالی‌که طبق مورد ششم اعطای تسهیلات فقط به‌صورت ارزی است و تبدیل دلار نفتی به ریال خلاف قانون خواهد بود. حال سؤال اینجاست که بخش‌های اقتصادی مثل بخش کشاورزی که به تسهیلات ارزی نیاز ندارند با چه معیاری از منابع صندوق حذف شده‌اند؟ ریشه این مشکل، عدم توجه به اصل اول و در نظر گرفتن معیار عدالت و اضطرار جامعه بوده است. در توضیح بیشتر باید بیان کرد که در ابتدای تأسیس صندوق، طبق اساسنامه مقرر شد که «مصارف صندوق از طریق عاملیت بانک‌های دولتی و غیردولتی و فقط به‌صورت تسهیلات ارزی باشد (تبصره ۱ و ۲ از بند «ط»). بعد از تأسیس صندوق، رئیس‌جمهور دولت دهم، به علت شرایط جامعه، خواستار اصلاح در اساسنامه صندوق شد، که بر مبنای آن دولت اجازه می‌یافت ۲۰ درصد منابع صندوق را به‌صورت ریالی برای حمایت از طرح‌های کشاورزی استفاده نماید. این موضوع بالاخره با کاهش به ۱۰ درصد به تصویب مجلس رسید (خبرگزاری مشرق[۸]، ۱۳۹۱) این روند در سال ۱۳۹۱ تکرار شد تا این‌که مجلس در سال ۹۲ با پیشنهاد دولت مبنی بر ارائه تسهیلات ریالی مخالفت کرد (ایسنا[۹]، ۱۳۹۲). لذا عدم توجه به شرایط جامعه در اساسنامه صندوق، موجب عدم هماهنگی بین قانون و عملکرد دولت‌ها شده است. البته لازم به ذکر است که با وجود این‌که دلیل منع ارائه تسهیلات ریالی، جلوگیری از افزایش پایه پولی و تورم بوده است، اما ارائه تسهیلات مبتنی بر تولید و ارزش‌افزوده‌ای که بخش‌ها

Archive of SID

www.SID.ir

ایجاد می‌نمایند، مانع از تورم خواهد شد و به نظر می‌رسد که سیاست ارائه تسهیلات ارزی الگوبرداری از تجارب صندوق‌های ثروت ملی در کشورهای دیگر بوده که می‌توان با ارائه ساختار جدید منطبق بر معیارهای عدالت اسلامی، مشکل تورم را حل نمود.

٤. بر اساس مصوبه هیئت عامل در تاریخ ۹ آبان سال ۱۳۹۱ میزان نرخ بازده طرح‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری برای بخش آب و کشاورزی حداقل پنج درصد و برای سایر بخش‌ها و زیربخش‌ها حداقل معادل ده درصد تعیین شده است (بند و بخش دوم از نظام‌نامه ضوابط و شرایط اعطای تسهیلات ریالی، ۱۳۹۱). نکته قابل توجه این است که میزان نرخ بازده تسهیلات ریالی برابر با نرخ بازده تسهیلات ارزی بوده است، درحالی‌که با توجه به تفاوت تورم داخلی و خارجی، اگر صندوق خواستار تحقق گام اول باشد، باید بین نرخ بازده‌ها تفاوت قائل شود و نرخ بازده تسهیلات ریالی را به میزانی افزایش دهد که حداقل، تبدیل سرمایه ملی به میزان برابر به سایر سرمایه‌ها را تضمین نماید وگرنه ارزش سرمایه ملی به‌مرور زمان، کاهش پیدا خواهد کرد و این مسئله با بحث عدالت بین‌نسلی منافات دارد.

۵. شرایط اضطرار در اساسنامه صندوق لحاظ نشده است. بلکه بندهایی وجود دارد که متناقض با این مسئله است؛ برای مثال، در تبصره یک از بند «ط» (مصارف) بیان شده است که «استفاده از منابع صندوق برای اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارائی‌های سرمایه‌ای و بازپرداخت بدهی‌های دولت به هر شکل ممنوع است». قیدِ مطلق «به هر شکل» در این تبصره باعث می‌شود که اگر در آینده به هر دلیلی دولت مجبور باشد که به‌منظور حفظ قوام اجتماعی مبلغی را در حد کفاف از صندوق برداشت نماید، قادر نخواهد بود.

در مورد اصول دوم، سوم و چهارم عدالت نیز باید بیان کرد که اساسنامه نسبت به آن‌ها اشاره مستقیم نداشته، ولی سیاست‌گذاری مصارف صندوق به نحوی است که اصول مذکور با توجه به یک سری ملاحظات به‌صورت غیرمستقیم محقق می‌شود. در توضیح باید بیان کرد که بر اساس اساسنامه، درآمدهای حاصل از سرمایه‌گذاری‌های صندوق مجدداً باید سرمایه‌گذاری شود و ازآنجاکه سرمایه‌گذاری مجدد می‌تواند کمک قابل توجهی به رشد و توسعه جامعه و رفع فقر و شکاف طبقاتی نماید، لذا می‌توان بیان کرد که اصول دوم الی چهارم عدالت به‌صورت غیرمستقیم محقق می‌شود. البته

Archive of SID

www.SID.ir

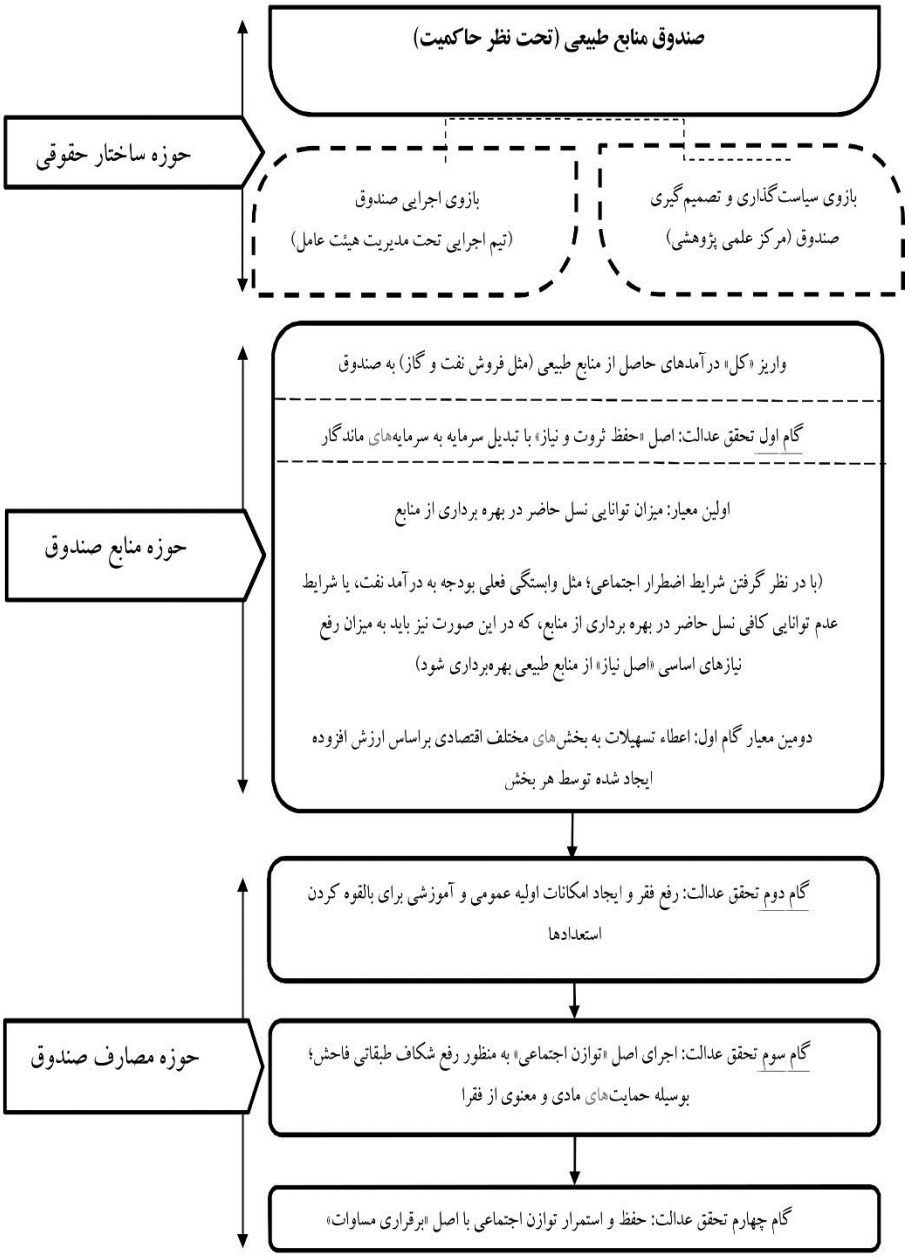
لازم به ذکر است ازآنجاکه سرمایه‌گذاری در بهداشت، آموزش و پرورش باعث فراهم شدن شرایط مناسب در جهت رشد استعدادهای بالقوه افراد جامعه می‌شود، لذا پیشنهاد می‌شود که سرمایه‌گذاری مجدد در زمینه‌های بهداشت، آموزش و پرورش عمومی در مناطق محروم در اولویت قرار بگیرد. البته لازم به ذکر است که مصارف بودجه عمومی شامل هزینه‌های بهداشت، سلامت و آموزش عمومی می‌باشد و لذا باید بعد از تغییرات در ساختار همپوشانی بین مصارف صندوق و بودجه عمومی از بین رود و پیشنهاد می‌شود که برای جلوگیری از تعارض بخش مذکور در بودجه عمومی لحاظ شود.

۳-۲. راه‌حل‌های پیشنهادی

به‌منظور اصلاح ساختار و سازوکار تخصیص عادلانه ثروت‌های طبیعی و ملی، ساختار جدیدی به شرح ذیل ارائه شده و توضیحات تکمیلی ذکر می‌شود:

Archive of SID

www.SID.ir


صندوق منابع طبیعی (تحت نظر حاکمیت)
حوزه ساختار حقوقی
بازوی اجرایی صندوق
(تیم اجرایی تحت مدیریت هیئت عامل)
بازوی سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری
صندوق (مرکز علمی پژوهشی)
حوزه منابع صندوق
واریز «کل» درآمدهای حاصل از منابع طبیعی (مثل فروش نفت و گاز) به صندوق
گام اول تحقق عدالت: اصل «حفظ ثروت و نیاز» با تبدیل سرمایه به سرمایه‌های ماندگار
اولین معیار: میزان توانایی نسل حاضر در بهره برداری از منابع
(با در نظر گرفتن شرایط اضطرار اجتماعی؛ مثل وابستگی فعلی بودجه به درآمد نفت، یا شرایط عدم توانایی کافی نسل حاضر در بهره برداری از منابع، که در این صورت نیز باید به میزان رفع نیازهای اساسی «اصل نیاز» از منابع طبیعی بهره‌برداری شود)
دومین معیار گام اول: اعطاء تسهیلات به بخش‌های مختلف اقتصادی براساس ارزش افزوده ایجاد شده توسط هر بخش
گام دوم تحقق عدالت: رفع فقر و ایجاد امکانات اولیه عمومی و آموزشی برای بالقوه کردن استعدادها
حوزه مصارف صندوق
گام سوم تحقق عدالت: اجرای اصل «توازن اجتماعی» به منظور رفع شکاف طبقاتی فاحش؛ بوسیله حمایت‌های مادی و معنوی از فقرا
گام چهارم تحقق عدالت: حفظ و استمرار توازن اجتماعی با اصل «برقراری مساوات»

www.SID.ir

۳-۲-۱. راه‌کارهای اصلاح ساختار حقوقی- اقتصادی

۱. بنا بر نظر مشهور، در اسلام منابع طبیعی جزء انفال محسوب می‌شوند و ملکیت آن‌ها تحت نظر رهبر جامعه اسلامی است؛ بنابراین بهتر است که در این راستا ارکان صندوق و ترکیب اعضاء هیئت‌امنا عوض شود تا تصمیمات هیئت امنا در راستای تحقق اهداف عمومی و ملی باشد. بهترین حالت در مورد مدیریت صندوق این است که مانند شوراهای عالی انقلاب فرهنگی و امنیت ملی، این صندوق تحت نظر رهبری قرار گیرد، و اعضای هیئت امنا متشکل از شخصیت‌های حقیقی و حقوقی باشند که کلیه مصالح نظام را در تصمیمات صندوق لحاظ کرده و از اتخاذ تصمیماتی که برخلاف عدالت اقتصادی است جلوگیری کنند.

۲. اصلاح بندِ «منابع صندوق» به‌گونه‌ای که ۱۰۰ درصدِ درآمدهای حاصله از فروش نفت و گاز به صندوق واریز شود.

۳. اصلاح بند «مصارف صندوق» به‌گونه‌ای که: اولاً یک بند در خصوص ارائه تسهیلات ریالی به بخش‌های مولد اقتصادی که نیاز به ارز ندارند اضافه شود. ثانیاً میزانِ ارزش افزوده ایجادشده توسط بخش‌های اقتصادی، ملاک اعطاء تسهیلات ارزی و ریالی قرار بگیرد. ثالثاً شرایط اضطرار اجتماعی در آن لحاظ شود. لازم به ذکر است همان‌طور که توضیح داده شد ارائه تسهیلات ریالی بدون توجه به تولید و ارزش افزوده ایجادی بخش مذکور موجب بروز تورم می‌شود و همچنین عدم توجه به کمی‌سازی شرایط اضطرار جامعه و عدم تعریف و تبیین به‌صورت کمی می‌تواند موجب بروز مفسده شود. لذا باید با اصلاح ساختار و عملکرد صندوق مشکل را حل نمود که در بخش بعدی توضیحات تکمیلی ارائه خواهد شد.

٤. همان‌گونه که ذکر شد، در بخش مصارف اساسنامه اشاره مستقیم به اصول دوم، سوم و چهارم عدالت نشده است و لذا پیشنهاد می‌شود که در تبصره یا بند مجزایی سرمایه‌گذاری مجدد در زیرساخت‌ها، مسائل بهداشت عمومی و آموزش و پرورش در مناطق محروم مورد تأکید قرار بگیرد.

Archive of SID

www.SID.ir

۳-۲-۲. راه‌کارهای اصلاح در عملکرد صندوق

۱. با توجه به این‌که عمل به اصول چهارگانه با مشکلات تئوریک از جمله تعیین شاخص برای میزان تبدیل سرمایه نفت و گاز به سایر سرمایه‌ها، جلوگیری از تورم، شناسایی و کمی کردن شرایط اضطرار، شناسایی و کنترل شاخص‌های فقر و شکاف طبقاتی فاحش در اجتماع و... مواجه است، لذا پیشنهاد می‌شود که یک مرکز علمی- پژوهشی زیر نظر صندوق تأسیس شود تا با انجام مطالعات تخصصی، راه‌کارهای اجرایی در مورد تحقق معیارهای عدالت را تبیین کرده و همچنین سیاست‌گذاری‌های صندوق را ساماندهی نماید؛ زیرا تصمیم‌گیری در مورد تخصیص منابع صندوق در راستای تحقق اصل اول و ارزیابی عملکرد در اصول و مراحل بعدی، با مطالعات علمی و تحقیقاتی حاصل می‌شود که وجود مرکز علمی را لازم و ضروری می‌نماید؛ به‌عبارت‌دیگر این مرکز نقش بازوی علمی صندوق را ایفا می‌نماید.

۲. یکی دیگر از مسائل مهم در عملکرد، اهتمام و توجه به اجرای دقیق سیاست‌های اقتصادی صندوق است. ازآنجاکه در برخی از صندوق‌های موجود در کشورهای جهان، مانند ایالت آلاسکا، سیاست‌های اقتصادی صندوق از طریق یک گروه اجرایی (متشکل از کارمندان متخصص) تحت مدیریت هیئت عامل، اجرا می‌شود، لذا پیشنهاد می‌شود که تحت مدیریت هیئت عامل یک گروه اجرایی و متخصص در سرمایه‌گذاری و مسائل اقتصادی ایجاد شود تا سیاست‌های اتخاذشده توسط صندوق را به‌طور کامل و صحیح اجرا نماید. البته لازم به ذکر است که در حال حاضر در صندوق گروه اجرایی متشکل از متخصصان وجود دارد ولی با توجه به این‌که انتقاداتی به عملکرد آن‌ها وجود دارد، لذا پیشنهاد می‌شود عملکرد گروه اجرایی با توجه به اصول مذکور ارزیابی شود و ابتدا ضعف‌های موجود برطرف شده و سپس وظایف جدید منطبق بر مسائل عدالت محور تبیین شود.

۳. صندوق باید نظام‌نامه شرایط و ضوابط ارائه تسهیلات ریالی را موردبازنگری جدی قرار دهد، به‌گونه‌ای که در ارزیابی پروژه‌ها، نرخ بازدهی قابل انتظار حداقل به میزان تورم در نظر گرفته شود تا اصل حفظ ثروت محقق شود. لذا طرح‌هایی که بازدهی انتظاری در آنان (یعنی نرخ سود تسهیلات) کمتر از نرخ تورم است رد شده و

Archive of SID

www.SID.ir

طرح‌هایی که نرخ بازدهی بیشتر از نرخ تورم دارند، در اولویت قرار گیرد تا نرخ سود حقیقی مثبت شود.

٤. پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاری‌های کلان در راستای هزینه‌کرد عادلانه درآمدهای صندوق تدوین شود و آیین‌نامه اجرایی آن توسط صندوق استخراج شود.

جمع‌بندی

در این تحقیق به‌منظور بررسی نقش صندوق توسعه ملی در تحقق عدالت اقتصادی، ابتدا با بررسی خلاصه‌ای از آراء، نظرات مشهور در زمینه معیارهای تحقق عدالت جمع‌بندی شده و سپس معیارهای برقراری عدالت در چهار اصل فرض شد. در بخش دوم نیز ساختار صندوق توسعه ملی ایران در جهت تحقق عدالت اقتصادی نقد و بررسی شد و ساختار جدیدی جهت اصلاح ساختار و عملکرد صندوق ارائه شد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که با توجه به مراحل ٤ گانه عدالت اقتصادی، که دربرگیرنده معیارهای تحقق عدالت درون‌نسلی و بین‌نسلی، مانند معیارهای «حفظ ثروت» و «اصل نیاز» و... است، و همچنین با توجه به نظر مشهور فقهی در مورد انفال، که تحت ملکیت حاکم اسلامی است، ساختار و عملکرد فعلی صندوق در راستای تحقق عدالت اقتصادی مشکلات فراوانی دارد و لازمه اصلاح آن، تغییر ساختار حقوقی- اقتصادی و بازنگری در اهداف آن است به‌گونه‌ای که باید ساختار آن حاکمیتی شود و ثروت‌های طبیعی در درجه اول به ثروت‌های ماندگار دیگر تبدیل شده و سپس درآمدهای حاصل از آن بر اساس معیارهای حفظ قوام جامعه، برطرف کردن نیازهای عمومی جامعه مانند آموزش، بهداشت و سلامت عمومی و... تخصیص داده شود.

یادداشت‌ها

1. Andrew Rozanov
2. Campbell
۳. لازم به ذکر است که این اصول خلاصه تحقیق پژوهشی نویسندگان تحت عنوان «معیارهای توزیع عادلانه منابع تجدیدناپذیر (انفال) در نظام اقتصادی اسلام»، فصلنامه اقتصاد اسلامی (تأییدیه نهایی و در دست چاپ) است.

Archive of SID

www.SID.ir

٤. این زمین‌ها برای تمام مسلمانان است، اعم از کسانی که امروز مسلمان هستند و یا روزهای بعد مسلمان خواهند شد و نیز کسانی که در آینده متولد می‌شوند

۵. لازم به ذکر است روش مقایسه و معیار و شاخص تبدیل منابع نفت و گاز به سرمایه و ثروت‌های ماندگار دیگر، با توجه به انواع سرمایه متفاوت می‌باشد. به‌عنوان مثال در سرمایه فیزیکی، اجتماعی و یا سرمایه‌های دیگر، شاخص‌ها متفاوت است و تشخیص هر شاخص احتیاج به مطالعه دقیق و مجزا دارد. در تحقیق مذکور در مقام اثبات اصل حفظ ثروت هستیم و اگر مورد قبول واقع شود باید مطالعات جدی در صورت تبیین و تفسیر شاخص‌ها و روش‌ها صورت بگیرد. آنچه که مسلم است سرمایه طبیعی باید به دیگر ثروت‌های ماندگار تبدیل شود و گاهی شاخص، ارزش دلاری، ریالی و یا ارزش حال درآمدهای آتی و ... می‌تواند باشد که بررسی آن با توجه به محدودیت نگارش ممکن نیست.

٦. چون خداوند آن‌ها را برای استفاده انسان‌ها خلق کرده است.

۷. البته به نظر ما که اصل حفظ ثروت، شرط لازم برای برقراری عدالت بین نسلی است ولی شرط کافی نیست، زیرا معیارهای دیگری هم باید موردتوجه قرار گیرند. به‌عنوان مثال اگر به هر دلیلی ارزش منابع طبیعی در آینده کاهش چشمگیری پیدا کند، همان‌طور که برای زغال‌سنگ رخ داد، آنگاه باقی گذاشتن منابع در زمین به علت عدم لیاقت و استحقاق در استخراج منابع نه‌تنها موجب قوام نسل آینده نمی‌شود بلکه موجب نابودی آن می‌شود. لذا اصل حفظ ثروت تنها اصل لازم و کافی برای تحقق عدالت بین نسلی نیست و ازآنجاکه بررسی جامع در مورد معیارهای عدالت بین‌نسلی از عهده تحقیق مذکور خارج می‌باشد، در این تحقیق با توجه به نظرات موجود این اصل مفروض گرفته شده است.

8. http://www.mashreghnews.ir/fa/news/109001/

9. http://isna.ir/fa/news/92020403262/مخالفت-کمیسیون-تلفیق-با-برداشت-دولت-از-صندوق

کتابنامه

احمدی، سید جواد (۱۳۹۱)؛ «معیار عدالت توزیعی و نسبت آن با انصاف و برابری با تأکید بر اخلاق حکومتی امام علی(ع)»، *فصلنامه پژوهشی پژوهش‌نامه اخلاق*، سال پنجم، ش۱۸، زمستان.

پورفرج، علیرضا؛ انصاری سامانی، حبیب و پورسامانی، جمشیدابراهیم (۱۳۸۵). «اثر نوآوری بر رابطه رشد و عدالت از منظر استحقاقی و توزیعی»، *کار و جامعه*، ش۱۱٦ و ۱۱۷.

توتونچیان، ایرج؛ عیوضلو، حسین (۱۳۷۹)، «کاربرد نظریه عدالت اقتصادی در نظام اسلامی توزیع ثروت و درآمد»، مجله تحقیقات اقتصادی، ش۵۷، صص۹۷-۱۳۲.

Archive of SID

www.SID.ir

توحیدی‌نیا، ابوالقاسم (۱۳۹۱)، «مدل اسلامی- ایرانی عدالت بین نسلی در بهره‌برداری از منابع طبیعی تجدیدناپذیر؛ مطالعه موردی منابع نفت ایران»، رساله دکتری، دانشگاه امام صادق(ع).
جعفری، محمدتقی (۱۳۷۸)، کار و ثروت در اسلام، تهران: انتشارات پیام آزادی.
حاجی میرزایی، سید محمدعلی (۱۳۸٦)، «ضرورت تأسیس صندوق نفت در ایران»، *پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، ش ٤٤.
حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۳۷۱)، وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: مؤسسه آل‌البیت(ع).
حسینی، سید رضا (۱۳۸۷)؛ «معیارهای عدالت اقتصادی از منظر اسلام؛ بررسی انتقادی نظریه شهید صدر»، *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، سال هشتم، شماره ۳۲، زمستان.
خاندوزی، سید احسان؛ سیانورانی، سید محمدرضا (۱۳۹۱)، «مبنای نظری سنجش عدالت اقتصادی در اسلام»، *جستارهای اقتصادی ایران*، سال ۹، شماره ۱۷، تابستان.
خبرگزاری ایسنا (۱۳۹۲)، «مخالفت کمیسیون تلفیق با برداشت دولت از صندوق توسعه ملی.» سرویس اقتصادی.
خبرگزاری مشرق (۱۳۹۱)، «خطر در کمین صندوق توسعه ملی»، بخش اقتصادی (دستیابی در http://www.mashreghnews.ir/fa/news/109001/).
رجایی، سید محمدکاظم؛ معلمی، سید مهدی (۱۳۹۰)، «درآمدی بر مفهوم «عدالت اقتصادی» و شاخص‌های آن»، *معرفت اقتصادی*، سال دوم، شماره دوم، پیاپی چهارم، صص۵-۳۰.
رضوی، مهدی؛ رئوفی، حمیدرضا (۱۳۸۹)، صندوق‌های ثروت ملی، تهران: نشر پژوهشکده امور اقتصادی.
صادقی، حسین؛ بهبودی، داوود (۱۳۸۳)، «حساب ذخیره ارزی، مبانی، تجربه کشورها و عملکرد ایران.» *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، ش۱۳.
صندوق توسعه ملی ایران (۱۳۹۱)، «نظام‌نامه ضوابط و شرایط اعطای تسهیلات ریالی مصوب هیئت عامل».
صندوق توسعه ملی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۱)، «اساسنامه صندوق توسعه ملی»، http://www.ndf.ir/files/asasname.pdf.
صندوق توسعه ملی (۱۳۹۱)، «نظام‌نامه ضوابط و شرایط اعطای تسهیلات ارزی، مصوب هیئت عامل»، پیوست شماره یک نظام‌نامه.
عیوضلو، حسین (۱۳۸٤)، عدالت و کارایی در تطبیق با نظام اقتصادی اسلام. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).

Archive of SID

www.SID.ir

طباطبایی، محمدحسین (۱۳٦۳)، *المیزان*، ترجمه محمدباقر موسوی، قم: انتشارات قم، ج۱.

مجلسی، محمدباقر (۱٤۰۳ق)، *بحار الأنوار*، ط- بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

محمدی، مریم (۱۳۹۰)، «بررسی جایگاه صندوق‌های ثروت ملی در ایران و جهان»، مجله *تدبیر*، شماره ۲۳٦، مرکز ارزیابی و تحلیل صنعت و اقتصاد.

مصباحی‌مقدم، غلامرضا و میسمی، حسین؛ عبدالهی، محسن؛ لطیفی، سید محمد رفیع همکاران (۱۳۸۹)، «منابع درآمدی دولت اسلامی و کیفیت توزیع آن؛ مطالعه موردی: طرح نقدی کردن یارانه‌ها»، *مجله اقتصاد اسلامی*، ش٤۰، صص۵-۲۸.

مطهری، مرتضی (۱۳۸٤)، مجموعه آثار، جلد ۳. تهران: صدرا.

معتمدی، منیره (۱۳۸۹)، «صندوق توسعه ملی و لایحه برنامه پنجم»، *تازه‌های اقتصادی*، دوره جدید، سال هفتم، ش۱۲٦.

منظور، داوود؛ یادی‌پور، مهدی (۱۳۸۸)، «تجربه کشورهای مختلف در زمینه مدیریت درآمدهای نفتی و درس‌هایی برای ایران»، *مجله راهبرد یاس*، شماره ۱۷، صص۸۸-۱۱۵.

نعمتی، محمد (۱۳۸۸). «تغییر ساختار مدیریت بخش نفت؛ الزامی مهم در تحقق اهداف سیاست‌های کلی اصل (٤٤)»، *مجلس و پژوهش*، ش۱۵، ش٦۰، صص۸۰-۱۱۸.

نهاد ریاست جمهوری (۱۳۸۹)، «سیاست‌های کلی برنامه پنجم.» ابلاغیه رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (دام‌عزه).

هاجر، اصغری (۱۳۸۷)، «حساب ذخیره ارزی؛ انحلال هیئت امنای حساب ذخیره ارزی و جایگزینی آن با کمیسیون اقتصادی هیئت دولت»، مؤسسه مطالعات دین و اقتصاد.

Campbell, S. (1996), "Green Cities، Growing Cities, Just Cities? Urban Planning and the Contradictions of Sustainable Development", *Journal of the American Planning Association*, No. 62(3): 296-312.

Archive of SID

www.SID.ir